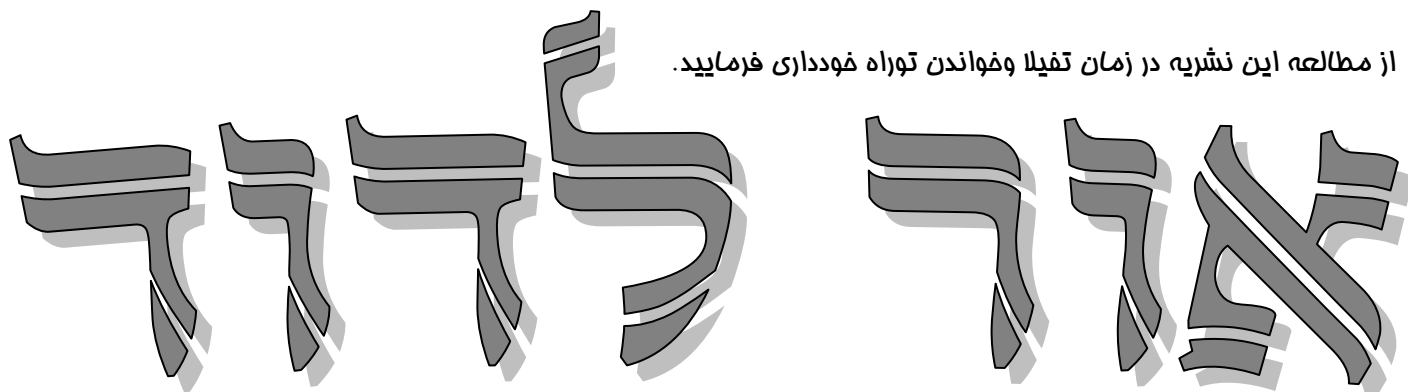


از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا وفواندن توراه فودداری فرمایید.



۱۸ ۵۷۸۰

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

עקב

## תורתא דרוש

توراه را نیز سرسری بگیرد و به آنها توجه نکند و دیگر به وضعیتی برسد که بین ممنوع و مجاز را تشخیص ندهد و دیگر گناه سبک و سنگین در نظر وی هیچ تفاوتی ندارد.

ولی وقتی شخص به همه موارد ، حتی به موارد کوچک توجه می‌نماید ، و برای همه آنها ارزش قائل می‌شود ، ناگهان متوجه ارزش والای همین میصواهای کوچک نیز شده و درمی‌یابد حتی قسمت کوچکی از میصوا نیز ارزش بسیاری دارد ، پس صد البته میصوای کامل ارزش آن چندین برابر است.

باید دانست ابتدای سقوط و افتادن ، از همین سرسری گرفتن میصواها و "خواب رفتن" در نگهداری میصواها شروع می‌شود. به همین سبب در روز روش هشانا شوفار می‌زنیم تا قلب خواب خویش را بیدار نماییم ، هم چنان که هارامبام در هلاخاهای توبه می‌فرماید:

"رمز و اشاره شوفار بر این است که بگوید: ای خواب رفتگان از خواب خود بیدار شوید ، اعمال خویش را بسنجید ، توبه نمایید و خد-ای خود را به یاد داشته باشید."

غریزه بد هم به دنبال همین میصواهای به ظاهر کوچک است. غریزه بد به سراغ فرد آمده و سعی می‌کند تا وی را خواب نماید. اگر شخص خواب برود ، پس غریزه بد نیز میصواها را از چنگ او بیرون کشیده و وی هم این دنیا و هم دنیای آتی را از دست می‌دهد. ولی شخص خود را دلداری می‌دهد و می‌گوید:

"حالا مگر چه شده ، خوب شکرانه پس از غذا را با حواس جمع و نیت نخواندم ، ولی مهم این است که این براخا را خواندم." و یا

در ابتدای این پاراشا می‌خوانیم: "و اگر قوانین من را گوش دهید و آنها را نگه دارید و انجام دهید ، خد-اوند نیز آن پیمان و آن نیکی که به پدران تو قسم خورده است را نگه می‌دارد و تو را دوست خواهد داشت و تو را براخا خواهد نمود و تو را زیاد خواهد نمود و ..."

و در اینجا توراه قولهای بسیاری می‌دهد که تمام این قولها وابسته به این عبارت است: "و اگر قوانین من را گوش دهید و آنها را نگه دارید و انجام دهید."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

"منظور به میصواهایی است که شخص ، آنها را (مرتب) زیر پا می‌گذارد."

اگر فرد این میصواها را که ظاهراً کوچک می‌آیند و به آنها اهمیت نمی‌دهد ، را انجام دهد و ارزش واقعی این میصواها را درک و به آنها اهمیت دهد ، در مقابل خد-اوند نیز قولهایی که داده است را انجام خواهد داد.

این میصواها چه خصوصیتی دارند که فرد به آنها اهمیت نمی‌دهد و آنها را زیر پا می‌گذارد ، ولی در اصل مهم هستند و مزد آنها بسیار است؟

اینها میصواهایی هستند که به نظر کوچک می‌آیند و به همین سبب برای فرد سخت است به آنها اهمیت دهد و آنها را آن چنان که باید و شاید انجام دهد و به همین سبب فرد این میصواها را سرسری می‌گیرد و به آنها توجه نمی‌نماید. عدم توجه به این میصواها ، به تدریج باعث می‌شود ، شخص ، دیگر میصواهای

رفت. وقتی سگ دید صاحب بساط چرت می‌زند ، پرید و یک نان دزدید و رفت. صاحب بساط بیدار شد و به دنبال سگ دوید و با خود گفت: "عیبی ندارد ، فقط یک نان دزدید." ولی در واقع یک نان اینجا و یک نان آنجا ، در مدت زمان بسیار ، به اندازه زیادی نان می‌شود.

وظیفه ما نیز این است که حواسمان به همه میصواها جمع باشد و نگذاریم حتی قسمت کوچکی از میصوا را از دست دهیم.

برگرفته از مکیده دوارو لیمقوب

"درست است که تنهایی تفیلا خواندم و نیت من کامل نبود ، ولی اصل این است که تفیلا را خواندم ، ای کاش همسایگان من نیز همین رفتار را داشتند ، اصلاً بخشی از آنها کیپور تا کیپور هم به کنیسا نمی‌آیند!"

و از این نوع سخنان و این ضرر زیادی است! حتی اگر شخص قسمت کوچکی از میصوا را از دست بدهد ، باز هم ضرر زیادی نموده است. اینها امثال میصوهای هستند که شخص آنها را سرسری گرفته و زیر پا می‌گذارد. جنگ غریزه بد با انسان بر سر این میصواها است و اگر وی "خوابش ببرد" ، جنگ را می‌بازد. در این باره تعریف شده یک بار شخصی بساط نانویی داشت و یک سگ به کنار بساط او آمد و شروع به خمیازه کشیدن کرد و آنقدر خمیازه کشید که صاحب بساط نیز خوابش گرفت و به چرت

## نمونه گفتن براهاها

روحانیت برسد ، مواردی که در خارج از سرزمین ییسرائل قابل کسب نیستند.

علاوه بر این ، گمارا می‌فرماید: شخصی که خارج از سرزمین ییسرائل زندگی می‌کند به مانند شخصی است که گویی خد- ندارد و شخصی که در سرزمین ییسرائل زندگی می‌کند ، گناهان او بخشیده می‌شوند.

تمام این موارد بدین سبب است که سرزمین ییسرائل دربار خد- اوند خوانده شده و به همین جهت هم شخصی که در این سرزمین زندگی می‌کند باید به گونه‌ای رفتار نماید که رفتار او شایسته دربار پادشاه باشد ، زیرا این سرزمین ، مکانی است که همواره چشمان خد-اوند بر آن است. پس فرد اجازه ندارد در این سرزمین به هر صورت که می‌خواهد رفتار نماید و هر که در سرزمین ییسرائل زندگی کند ولی رفتار او مناسب نباشد و توراه و میصوهای خد-اوند را نگه ندارد ، این سرزمین این فرد را اخراج خواهد نمود. و هر چه فرد بیشتر بر طبق توراه و میصوهای آن زندگی نماید ، زندگی بهتری در این سرزمین خواهد داشت.

در این باره در فصول پدران تعریف شده است: وقتی قوم ییسرائل در ایام موعده به شهر یروشالیم می‌آمدند و همه ملت در کنار بیت‌همیقداش بودند ، تعداد آنها آنقدر زیاد بود که

در این پاراشا می‌خوانیم:

"و میصوهای خد-اوند خالقت را نگه دار و در راه او قدم بردار و از او بترس زیرا خد-اوند خالق تو ، تو را به سرزمین خوبی می‌آورد ، سرزمین رودخانه‌های آب ، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی در دره و کوه ، سرزمین گندم ، جو ، انگور ، انجیر و انار ، سرزمین روغن زیتون و عسل ، سرزمینی که در آن با بدبختی ، نان نخواهی خورد و در آن هیچ چیز کم نخواهی آورد. سرزمینی که سنگهای آن آهنین هستند و از کوههای آن مس استخراج خواهی نمود."

از تمام این عبارات متوجه می‌شویم چقدر خد-اوند قوم خویش را دوست دارد و در یک سرزمین نسبتاً کوچک ، تمام خوبیهای دنیا را برای قوم خود قرار می‌دهد و همه چیز را در یک جا متمرکز کرده تا هیچ یک از افراد این سرزمین هیچ چیز کم نداشته باشد. در کتب مقدس آمده این خوبیها فقط از لحاظ مادی نمی‌باشند ، بلکه از لحاظ معنوی نیز این سرزمین بسیار خوب می‌باشد و هر که در سرزمین ییسرائل مشغول به آموزش توراه شود ، عقل و دانش او بیشتر خواهد بود ، زیرا هوای سرزمین ییسرائل ، انسان را عاقل می‌نماید و همچنین با زندگی در سرزمین ییسرائل و عبادت خد-اوند در این سرزمین ، شخص می‌تواند به درجات والایی از

همه چسبیده به هم می‌ایستادند ، ولی با این حال ، هیچکس نمی‌گفت برای خوابیدن جای من تنگ است. و وقتی هم در روز کیپور در بیت‌همیقداش بودند ، با اینکه چسبیده به هم می‌ایستادند ، موقع تعظیم ، برای همه به اندازه کافی جا و مکان بود.

و تمام اینها به این علت بود که قوم ییسرائل به شهر یروشالیم می‌آمدند تا رضایت خد-اوند را انجام دهند و به همین جهت هیچ سختی و یا تنگی جا را احساس نمی‌کردند ، بلکه از نور جلال شخینا لذت برده و مملو از خد-اترسی می‌شدند و تا موعد بعدی ، پر از انرژی معنوی بودند تا دوباره به شهر یروشالیم بیایند و دوباره این انرژیها را به دست آورند.

حال هر کسی مزکی شده و در این سرزمین مقدس زندگی می‌کند ، باید مراقب باشد آن چنان که باید و شاید رفتار نماید.

در ادامه این جملات ، توره می‌فرماید:

”و بخور و سیر شو و خد-اوند خالق خویش را براخا نما که چنین سرزمین خوبی را به تو داده است.“

از این عبارت می‌آموزیم که خد-اوند فرمان داده پس از خوردن نان ، باید شکرانه پس از غذا را خواند و این تنها براخایی است که توره ، گفتن آن را امر می‌نماید.

دیگر براخاها را دانشمندان توره ، تنظیم نموده‌اند و برای براخاهای توره نیز دو نظریه وجود دارد ، برخی از دانشمندان توره می‌فرمایند گفتن این براخاها از توره امر شده و بعضی دیگر می‌گویند ، دانشمندان توره این براخاها را تنظیم کرده‌اند و تنها در مورد شکرانه پس از غذا است که همه دانشمندان توره می‌فرمایند این براخا از توره امر شده است.

از این رو ، شخص باید برای گفتن این براخا وقت کافی بگذارد تا این براخا را کلمه به کلمه گفته و واقعاً از خد-اوند تشکر نماید که غذا و روزی او را مهیا کرده و او را سیر نموده است. و شخصی که با نیت ، شکرانه پس از غذا را می‌خواند ، متکبر نخواهد گشت ، زیرا درک می‌نماید همه چیز از جانب خد-اوند به او رسیده و این زور بازوی شخص نیست که رزق و روزی را برای وی فراهم می‌نماید.

باید تلاش نمود این براخا را از روی سیدور خواند و هنگام قرائت این براخا ، هیچ عمل دیگری انجام ندهد و فکر و نیت او بر این

براخا باشد. باید توجه داشت این براخا را با صدای بلند بگوید ، حداقل به گونه‌ای که خود وی ، صدای خویش را بشنود ، زیرا در غیر این صورت ، از نظر شولخان عاروخ در گفتن این براخا انجام وظیفه نکرده و فقط اگر به این صورت براخا گفت ، دیگر لازم نیست دوباره این براخا را بگوید.

بن ایش خی نظر چند از دانشمندان توره را ذکر می‌نماید که شخصی که این براخا را آنقدر آهسته می‌گوید که خودش هم آن را نمی‌شنود ، اصلاً در گفتن این براخا انجام وظیفه ننموده و باید دوباره این براخا را با صدای بلند بگوید.

چون نظر شولخان عاروخ این است که در چنین وضعیتی نباید دوباره براخا گفت ، بن ایش خی توصیه می‌نماید دوباره شخص دستان خویش را نطیلا بگیرد ، کمی نان بخورد و دوباره شکرانه پس از غذا را با صدای بلند بخواند و نیت ببندد در گفتن براخای غذای اولی نیز ، با گفتن این براخا انجام وظیفه نماید.

از اینجا می‌بینیم در گفتن این براخا باید جدیت مخصوصی به خرج داد و این براخا را با صدای بلند و نیت کامل خواند ، زیرا غذا است که انسان را زنده نگه می‌دارد. اگر کمی تأمل نماییم که چگونه غذا وارد بدن شده و هر غذایی رنگ و مزه به خصوص خود را دارد و چگونه بدن غذا را تجزیه می‌کند ، ویتامینها را به بخشهای مختلف بدن پخش نموده و در انتها زباله‌های غذا را از بدن خارج می‌کند ، تأمل در این مورد باعث می‌شود حداقل در گفتن این براخاها دقت لازم را داشته و از خد-اوند برای این همه نعمت ، تشکر نماییم.

در مورد ربی الکساندر زیسکیند روحش شاد ، نویسنده کتاب اساس و ریشه عبادت خد-اوند ، تعریف شده قبل از گفتن شکرانه پس از غذا ، از تمام افراد خانواده درخواست می‌کرد موقع گفتن این براخا مزاحم او نشوند و با او صحبت نکنند تا او بتواند با حواس جمع این براخا را بگوید.

پس صد البته موقع گفتن این براخا ، شخص نباید مزاحم خودش شود و با وسایلی که جلو او قرار دارند بازی نکند و مشغول نشود. صد البته نباید در موقع گفتن این براخا با تلفن همراه مشغول شد. باشد رضای خد-اوند که در گفتن این براخا و براخاهای دیگر نیت کامل داشته و به زودی مزکی به نجات کامل گردیم.

## ניקי به ديگران

خافص خييم ربي مشه را صدا زد و فرمود: "چرا نمی‌خواهی با این جماعت بروی و به آنها نیکي نمایی؟"

ربي مشه در پاسخ فرمود: "در این ایام سخت و در این وضعیت ، يهوديان بسياری خانه و خانواده خويش را رها نموده و به اینجا آمده‌اند تا در کنار شما باشند. پس من چطور می‌توانم شما را رها و به یک دهات دور افتاده بروم؟"

خافص خييم در پاسخ فرمود: "من نمی‌توانم تو را مجبور نمایم که بروی ، هر طور که خودت می‌دانی ، ولی این را به یاد داشته باش انسان به این دنیا نیامده که فقط برای خودش زنده باشد."

ربي مشه با درخواست آن جماعت موافقت نمود و همراه با آنها رفت. قبل از رفتن خافص خييم یکی از کتب خود را به او داده تا قبل از نواختن شوفار ، ربي مشه قسمتی از این کتاب را برای جماعت بخواند و مردم را برای توبه بيدار نماید.

نزدیک به ایام روش هشانا هستیم. پس باید سعی نمایم تا با افراد خانواده ، دوستان ، آشنایان و افراد دیگر نیکي نموده تا هم سال خوبی را برای خويش به ارمغان آوریم و هم با محبت به ديگران ، نجات کامل را نزدیک نمایم.

برگرفته از کتاب زندگی نامه خافص خييم

یکی از شاگردان هخافص خييم روحش شاد ، ربي مشه ياشار تعريف می‌نماید چند روز قبل از روز روش‌هشانا سال 5674 ، میهمانان بسیاری به يشيوا آمدند تا در ایام روش‌هشانا نزدیک به هخافص خييم باشند و در کنار او تفيلا بخوانند ، مخصوصاً که هنگام جنگ جهانی اول بود و وضعیت و روزهای سختی بر مردم می‌گذشت.

یک روز قبل از روش هشانا ، دسته‌ای از شهرک دوگليشوک به يشيواي خافص خييم آمده و از ربي مشه درخواست کردند به شهر آنها رفته و در روزهای روش هشانا تفيلا خوانده و برای آنها دراشا بگويد. ربي مشه در پاسخ فرمود: "من می‌خواهم در روزهای روش هشانا پيش خافص خييم باشم و به همین جهت نمی‌توانم با شما بيايم."

آن دسته به ربي مشه گفتند: "ما حاضريم برای این دو روز ، مبلغ فراوانی به شما پيردازيم."

ربي مشه فرمود: "مسئله پول نیست ، من می‌خواهم در این روزهای مهم در نزد خافص خييم باشم."

این دسته ناامید نشدند و به نزد خافص خييم رفتند و از وی خواهش نمودند با شاگرد خويش ربي مشه صحبت نماید و وی را راضی کند همراه آنها بيايد.

## قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

\* **پروشاليم:** گئولا ، فيابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

\* **تل آویو:** فيابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱

\* **فولون:** فيابان ایلات ۱۶ ، فروشگاه نوיה פארם

\* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶

\* **کفر سابا:** آقای מוטי کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

\* **بيتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۴۲۸۹۳۶

\* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)